

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

سید جمال الدین افغانی به هرکشوریکه قدم می نهاد نام جدیدی برای خود انتخاب میکرد . مجله دانشگاه تهران در شماره ۸۴۱ با شا نزده نام مختلف به قرار ذیل سید افغانی را معرفی میکند : (۱۶)

- ۱ – جمال
- ۲ – جمال الدین
- ۳ – جمال الدین الاستنبولی
- ۴ – جمال الدین حسینی
- ۵ – جمال الدین حسینی عبدالله بن عبدالله
- ۵ – جمال الدین حسینی الاستنبولی
- ۷ – جمال الدین الافغانی الکابلی
- ۸ – جمال الدین حسینی الافغانی
- ۹ – جمال الدین حسینی رومی
- ۱۰ – سید جمال الدین افغانی
- ۱۱ – جمال الدین کابلی
- ۱۲ – شیخ افغان
- ۱۳ – جمال الدین افندی
- ۱۴ – جمال الدین رومی
- ۱۵ – جمال الدین اسدآبادی

سید جمال الدین افغانی در تمام ممالک که سفر میکرد (ترکیه، ایران، افغانستان، هندوستان، مصر، روسیه و سایر ممالک آسیائی و انگلستان و فرانسه و بعضی ممالک دیگر اروپائی) ملیت خود را فاش نمیکرد و از این کتمان شاید دو منظور داشت - یکی اینکه خود را اهل همان مملکتی معرفی می نمود که در آن تبلیغ میکرد. دوم برای اینکه لژ (۱۷) اعلاهی فراماسونری (۱۸) خود را حفظ کند.

اما بقول ولی الله یوسفیه سید در جریان فعالیت های سیاسی خود در خاور میانه میخواست از طریق اتحاد فراماسونری ها وحدت اسلام را به وجود آورد و با هجده عنوان و شهرت مختلف در ده «لژ» سازمان فراماسونری خاور میانه ثبت نام کرده است (۱۹) که در ذیل به نظر میخورد:

۱ - جمال الدین اسدآبادی

۲ - جمال الدین افغان

۳ - جمال الدین الحسینی رومی

۴ - جمال الدین الحسینی طوسی

۵ - جمال الدین استنبولی

۶ - جمال الدین الحسینی

۷ - جمال الدین الحسنی طوسی

۸ - جمال الدین افندی

۹ - رومی

۱۰ - شیخ افغان

۱۱ - جمال الدین جمال

۱۲ - سید جمال الدین افغان

۱۳ - شیخ جمال الدین

۱۴ - شیخ جمال

۱۵ - السید الحسینی

۱۶ - جمال الدین حسینی عبدالله بن عبدالله

۱۷ - جمال الدین الافغانی الکابلی

۱۸ - جمال الدین

بعد از آنکه سید در دوره دوم سلطنت امیر شیرعلی خان وطن را ترک گفت، در هیچ کشور معین برای دایم مقیم نگردد، بلکه دایماً در ممالک مختلف آسیائی و اروپائی - هندوستان، مصر، ترکیه، روسیه، انگلستان و فرانسه در گشت و گذار بود. او در کشور های نام برده در تمام ایام اقامت خود مراکز سیاسی ایجاد و به تنویر افکار مردم علی الخصوص مسلمانان می پرداخت، جراید و اخبار معلم الشفیق، عروت الوثقی، ضیاء الخاقین، ام القری را با الترتیب در حیدرآباد هند، فرانسه، لندن و مکه معظمه نشر می نمود که عموم مقالات در آنها توسط خود سید تهیه میگردد. مجموع مقالات سید جمال الدین افغانی که در ایام اقامت او در حیدرآباد هند در ژورنال «معلم الشفیق» نشر میشد قرار ذیل بودند: «مفاد اخبار، تعلیم و تربیه، اسباب حقیقت خوشی و شفاي انسان، فلسفه وحدت، جنسیت و حقیقت اتحاد لغت، مفاد فلسفه و غیره» (۲۰)

در سال ۱۸۹۶ م سید از اروپا به استانبول آمد. سردار غلام محمد خان طرزی که با فامیل و پسرش (محمود طرزی) به حیث تبعیدی امیر عبد الرحمان خان در آن زمان در دمشق به سر میبردند. سردار موصوف نظریه معرفت قبلی که با سید داشت محمود طرزی را جهت ملاقات با او به استانبول فرستاد. محمود هفت ماه افتخار مصاحبت سید را در پایتخت دولت عثمانی داشت.

در آثار نویسندگان افغانی دو بیان متفاوت در مورد نظر محمود طرزی را جمع به سید به چشم میخورد: پوهاند حبیبی در کتابش (جنبش مشروطیت در افغانستان) چنین مینویسد: «محمود طرزی در دیوان پدرقصد ه ای در ستایش سید خوانده و پدر و ملا محمد اکرم هوتک بارها از آن مرد دانشمند و پر شور سخن گفته بودند. در سنه ۱۳۱۴ هق (۱۸۹۶م) در جراید خواندند که سید از اروپا به استانبول آمده است. سردار غلام محمد خان فرزند خود محمود را به استانبول فرستاد، به دستش نامه ای به نام سید جمال الدین افغانی داد، محمود رفت و این جوان پر شور افغان با پیشوای آزادیخواهان شرق چندین ماه در استانبول محصور شد و از دم مسیحائی آن مرد گرانمایه، شور و بیداری او افزونتر گردید... علامه سید جمال الدین یک معدن عرفان بود. این هفت ماه مصاحبت من با او به قدر هفتاد سال سیاحت در بردارد... مباحث علمی، حکمتیه، فلسفه، سیاسیه، اجتماعیه و غیره که هر روز در محفل بزم حضور آن علامه دهر جریان می یافت، هر جمله و عبارت آن کتاب ها، رساله ها تحریر به کار دارد.»

پوهاند هاشمی در «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» نظر محمود طرزی را در مورد سید جمال الدین افغانی چنین تشریح میکند: «زمانیکه نویسنده این اثر (پوهاند هاشمی) در خلال مباحثه با عبدالهادی خان دای از وی را جمع به نظر محمود طرزی در مورد سید جمال الدین افغانی پرسیدم، ایشان فرمودند: «اگرچه محمود طرزی سمت شاگردی سید جمال الدین افغان را داشت، ولی در مورد سید جمال الدین نظر مثبت و مساعده نداشت.» پوهاند هاشمی اضافه میکند که فرموده داوی را مطلب ذیل تا نید میکند: «سلطان محمد کابلی، مقاله راجع به سید جمال الدین که به زبان عربی در مجله الهلال چاپ شده بود، به زبان فارسی ترجمه کرده آنرا به اداره سراج الاخبار تسلیم کرده بود، مقاله مذکور برای یک سال مفقود الاثر بود، بعد از مدت یک سال که تقاضای مکرر شد، برایش گفته شد که در لای اوراق پنهان شده بود و حالا پیدا شده است. این مقاله در سال ششم در شماره سوم ۱۹۱۶ م به چاپ رسید متصل آن، محمود طرزی نیز راجع به سید جمال الدین افغانی مطلبی نوشت ولی در مقاله طرزی مطلب ذیل خوب تبارز داده شده است.» (۲۱)

حالا دلچسپ است که از قلم خود محمود طرزی راجع به سید افغانی بخوانیم: «... از شنیدن و دیدن مابعضی مسأله های عجیب... در سوانح عمری حضرت سید که جریده الهلال در مصر آنرا به زبان عربی نشر کرده و سلطان محمد کابلی آنرا به فارسی ترجمه کرده علاوه کردن لازم می آید مثلاً چون یکی یکبار بگویم که جناب سید در افغانستان به سید جمال الدین رومی مشهور بوده است نه (سید جمال الدین افغانی) آیا سراسر مسأله را یک تبدیل ناگهانی نمیدهد؟ چسان نمی دهد، در حالیکه در مصر، شام، قسطنطنیه، هند، حجاز و اروپا به سید افغانی شهرت داشته باشد و خود افغان ها تنها یک چند سال او را دیده باشند، و آنها به عنوان (سید جمال الدین رومی) دیده و شناخته باشند، و سید رومی گفته مدحیه ها در حق او سروده باشند، آیا غریب یک واقعه شمرده نمیشوند.

شنیدنی های من عبارت از بعضی از فقراتی است که در حق حضرت علامه از زبان والد بزرگوار مرحوم حضرت طرزی صاحب و استاد مرحوم ملا محمد اکرم... شنیده بودم میفرمودند که در زمان سلطنت امیر محمد

اعظم خان یکی از اجله علمای روم از راه کراچی اول به قندهار و باز به کابل آمده بود ... هر چه میگفت از خوبی ها و عظمت و شوکت دولت روم بیان میکرد ... آشنائی و رفاقت بسیار صمیمی در بین حضرت پدر و سید مشارا لیه به هم رسیده بود ، اعلیحضرت امیرمحمداعظم خان نیزگرویده فضل و کمالات علامه گردیده مقامش را خیلی محترم میداشت ، بعد از انقراض حکومت امیر محمد اعظم خان و استقرار حکومت امیر شیرعلی خان از کابل به راه پشاور عازم دیار هندوستان گردید .... اما چیزیکه شایان قدمت و جالب نظر اهمیت است آن است که جناب علامه مرحوم در افغانستان سید جمال الدین رومی بوده و دربلاد روم سید جمال الدین افغانی شده است . عجب تر اینکه ایرانیانش سید جمال الدین اسدآبادی همدانی می شناسند . حضرت طرزی در مدح خود سید ... در قصیده ای به بیت که : ( نه ماه روم و شامیست ... ) رومی بودن سید را تلمیح فرموده اند ... روزی بود که بسیاری از ارباب دانش در دالان بزرگ خانه اقامتگاه سید جمع بودند و در آن روز جناب علامه یک قدری آتشین مزاج بود شخصی از حاضرین از بعضی از اختلافاتیکه در باب جراید و نامه نگاران درباب که و کجائی بودن علامه در میان آورده بودند ، بابت مباحثه را باز نمودند ، به راستی که از باز شدن این بحث بدلسرور شدم که شاید جناب علامه یک چیزی بگوید تا این شبهه که دل مرا نیز همیشه در جنجال میداشت رفع و زایل شود . اما هزار حیف و افسوس که این آرزویم به رایگان رفت زیرا از زبان مبارک جناب علامه این چنین یک سخن نشنیدم که رفع اختلاف و شبهه نماید . من ، بلکه مسأله را سراسر در اغلاق و اشکال انداخت ، چونکه فرمود : خوب است ! افغانی مرا افغان نگوید ، ایرانی مرا از ایران نداند ، ترکی مرا ترکی و اروپائی مرا اروپائی نشناسد ! اما کدام پدر سوخته دردنی خواهد بود که جرئت کرده بگوید : جمال الدین از نسل آدم و هوا نیست . » ( ۲۲ ) از سراج الاخبار افغانیه سال ششم شماره پنجم .

نبنشته طرزی در مورد سید جمال الدین افغانی قابل تأمل است و ایجاب تحقیق و تدقیق بیشتر و عمیقتر را می نماید تا با ارائه اسناد و وثایق مستند ، تحلیل و ارزیابی همه جانبه این همه « شجره سازی های جعلی و خارجی بودن » سید مردود ، شکاکیت و شبهه ها رفع و زوایای تاریک زندگی این متفکر روشنتر گردد . پیرامون نژاد و مؤطن سید اسناد ، مکاتیب و نوشته های معتنابه وجود دارد که حاوی اسم « سید جمال الدین افغان » و یا « سید جمال الدین افغانی » بوده و اکثراً قبل از افغانی « الحسینی » نیز ذکر شده است . آثار مختلف - انگلیسی ، امریکائی ، فرانسوی ، جرمنی ، روسی ، عربی ، ترکی ، هندی مؤید این ادعا است که ما نسبت جلوگیری از اطنا ب سخن و با در نظر داشت هدف این رساله از تمامی آنها برای فعلاً منصرف و فقط یکی از مهمترین اسناد مستند هویت مکمل سید را که وثیقه دو سطری است و به قلم خود او با لای ورق اول سفید کتاب - الحاوی للمسانل لنفایس چاپ بولا ق ۱۳۵۳ ق نوشته شده در ذیل تذکر می دهیم :

### من سکنه کابل من اهالی افغان

### السید جمال الدین من سادات کنگر ( از آیینۀ افغانستان )

سند تاریخی بالا از « مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده سید جمال الدین » تصویر ۲۳ لوحه ۸ چاپ ایران گرفته شده که هر نوع شکاکیت و تذبذب را در مورد مسقط الرأس سید رفع نموده ، هویت و افغانیت کامل سید جمال الدین افغانی را تثبیت می نماید .

این بود شمه ای از گزارشات سید جمال الدین افغانی که نظریات نویسندگان و مؤرخین افغانی را در مورد آن بزرگ مرد سده نهم منعکس نمود ، حالایی موجب نخواهد بود تا نظریات برخی از نویسندگان خارجی علی الخصوص دوستان ایرانی را نیز در همین بخش مؤلفه تذکر دهیم :

کتاب و رسالات منتشره ایرانی در باره سید جمال الدین افغانی نسبتاً زیاد به نظر می‌خورد که ما از بعضی از آنها در این رساله نام می‌بریم :

- « شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی » است که به قلم مرزا لطف الله خان اسدآبادی گویا ! همشیره زاده سید (۲۳) پیرامون اصل و نسب ، فعالیت های سیاسی در ایران و شمایل او تهیه شده و مطالب فراوان دارد . مرزا لطف الله خان شجره سید را چنین ترسیم می‌نماید : « هو سید صفدر بن سید علی بن میررضی الدین محمد الحسینی شیخ الاسلام بن میرزین الدین الحسینی القاضی ظهیرالدین محمد الحسینی شیخ الاسلام بن میراصیل الدین الحسینی شیخ الاسلام .

والده ماجده اش سکینه بیگم بنت مرحوم میرشرف الدین الحسینی القاضی که از علو مرتبت او سخن ها در افواه است و بامیررضی الدین برادر بوده و هر دو پسر های میراصیل الدین بوده اند . و برادرهای عالی مقدار دیگر نیز داشته اند . » (۲۴)

اما به قول پروفیسور هاشمیان : مادر سید جمال الدین افغانی ، زوجه اول سید صفدر ، پشتون مؤمنند ، برادرزاده سید هاشم پاچا (مادر کلان پدری هاشمیان) و نواسه ملک قاسم خان یوسفزائی شخصی با نفوذ قوم یوسفزائی مؤمنند بود .

طوریکه در چند سطر فوق الذکر دیده میشود در کتاب « شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی » مرزا لطف الله خان تحت عنوان « مؤلد و نسب و تاریخ ولادت سید جمال الدین » در بین شجره پدری و مادری يك تناقص واضح مشا هده میگردد ، بدین معنی که در شجره پدری سید ، میررضی الدین کواسه میراصیل الدین معرفی شده درحالیکه در شجره مادری میررضی الدین موصوف برادر میرشرف الدین و پسر میراصیل الدین نشان داده شده که این تضاد را برای اولین بار مرحوم پوهاند حبیبی در حین مطالعه اسناد و آثار ایرانی جهت تجلیل از هشتادمین سالگرد سید جمال الدین افغانی در کشور متوجه شده و در اثرش که به مناسبت از همین روز تهیه شده بود چنین نتیجه گیری نمود : « در شجره اول (پدری) میررضی الدین پسر میرزین الدین ، درحالیکه در شجره نسب مادری دو برادر : میررضی الدین و میرشرف الدین هر دو پسران میراصیل الدین اند و این تضاد و دوگونگی خود صحت شجره را مورد شبهت و تأمل و عدم سلامت میگرداند.» (۲۵)

قرار ملاحظه اسناد ، خود مرزا لطف الله خان همشیره زاده ناسکه سید هم از زمره روشنفکران عصرش بود و به سید جمال الدین افغانی احترام و ارادت خاصی داشت ، بناءً معلومات و اطلاعات معتنا به را پیرامون زندگی سید جمع آوری نموده که واقعاً فهم ، دانش و تحلیل او را از اوضاع نا به سامان سیاسی و اجتماعی کشور های شرق و علی الخصوص ممالک اسلامی برجسته ساخته است . مثلاً اثر مورد بحث نظریات و سخنان سید در باره عقب ماندگی و مصائب ناشی از آن را در ذیل نشان میدهد : « انحطاط مسلمین شکوه از اروپایان خطا است و خرابی حال مسلمانان از اخلاط فاسده درونی خود مسلمین است . » و یانظر به شیوه صحبت سید با ناصرال دین شاه قاجار میزان جرأت ، قاطعیت و صراحت لهجه او را میتوان سنجید : « میتوانم برخورد ببالم که شهریار ایران از این خواب گران بیدار و به فکرآبادی مملکت و ترقی ملت افتاده و مرا شناخته اند . بلی من ایرانی و اسدآبادی هستم . به حمد الله تمام علوم درسیه من درج است . به تنهایی و خردی من ننگرید ، زیرا من میتوانم با این مشت کوچک خود کوه دماند را به این بزرگی در قعر زمین فرو ببرم در هر کجا بوده ام و باشم قصدم ترقی و عظمت مسلمین و حفظ بیضه اسلام و استقلال آنان بوده و هست ، هر گاه قصد و نیت سلطانی را

موافق ببینم به قدر توانائی مساعدت با نیات خیریه سلطانی خواهم نمود. خرابی ایران و ذلت اهالی بد بخت آن تماماً از خود شهریار است.»

چون مرزا لطف الله خان در ایام اقامت سید در ایران همیشه در خدمت او قرار داشت و آن ابر مرد را از نزدیک می شناخت فلذا خصوصیات شخصی و شمایلش را اینطور ترسیم مینماید: «سید يك پیشانی فراخ برجسته و يك سر پر مغز مصمم (دارای عما مه) و مزین با گیسوهای چین چین و حلقه حلقه دراز که از زیر عما مه تا بن گوش ها فرو می آمد، يك بینی موزون و خوش ترکیب، يك استخوان چانه بزرگ و سببرکه نشانه صلابت و متانت طبع او است بآلب های زمخت و يك ریش فلل نمکی کوسه که بیشتر دلالت به افغانیت او میکرد تا ایرانیت او، يك سینه پهن و گشاده با يك اندام کوتاه معتدل تنومند، يك نگاه پر حشمت شیرانه و خود پسندانه با دو دیده سپهرنگ وسیع و احداق جسیم، يك دهن عریض بایک صورت مردانه داشت، دو دست کوچک و انگشتان نازک و خوشنما داشت، در وقت صحبت پراز حدت و هیجان و بشاشت بود. در هنگام جدال و در وقت تهور سلسله کیسو را از دو طرف دو گوش مانند یال نره شیر تکان میداد. سخن را بی پروا یا نه و بی باکانه میگفت و آواز چنان قوی و رسا داشت که مانند غرش شیر در بیشه رعب و وحشت در دلها می انداخت. (۲۶)

به قول مرزا لطف الله خان شیخ عبده که یکی از همزمان و معاصر سید بود در باره او چنین اظهار نظر می نماید: «سید جمال الدین باوجود داشتن يك مشرب فلسفی و علی رغم جزئی تمایلش در ظاهر به طریقت صوفیه، سالک مذهب حنفی بود و اهتمام شدیدی به ادای فرایض مذهبییه داشت. افغانان و مصریان میگویند که سید جمال الدین در قریه اسدآباد از مضامین کفر که از اعمال کابل است زائیده شده.» (۲۷)

اکنون سخنان فیلسوف شهیر فرانسه (Erneset Renon) را از همین کتاب «شرح حال و آثار سید جمال الدین معروف به افغانی» از نظر بگذرانید که در باره شخصیت و هویت سید اظهار میدارد: «شیخ جمال الدین يك افغانی است که کاملاً از خرافات اسلام وارسته است. او از این نژاد های قوی نهاد سمت فراز ایران است که همسایه هند میباشند و در آنجا روح آریائی در زیر طبقه سطحی اسلام رسمی هنوز زنده است. شیخ بهترین دلیلی است به وجود آن حقیقت بزرگ که ما غالباً اعلام کرده ایم و آن عبارت است از اینکه قیمت ادیان بقدر آن قیمتی است که پیروان آن ادیان دارند. حریت افکار شیخ، قاطعیت نجیب و درست وی در موقع صحبت، مرا به این اعتقاد وادار ساخت که من در پیش خود یکی از آشنا یان قدیم خویش را مثلاً ابن سینا یا ابن اشراف را بار دیگر زنده شده می بینم، یا یکی از آن آزاد مردان بزرگ را که در دنیا، مدت پنج قرن تمام، نماینده روح انسانی بوده اند مشا هده می کنم.»

از خواننده محترم استدعا میشود تا حکایه و چشم دید دلچسپ مرزا حسین خان دانش اصفهانی مقیم استانبول را پیرامون سید افغانی در ذیل مطالعه نماید: «هیچ فراموش نمیکنم که روزی پس از قتل ناصرالدین شاه خیرنگار روزنامه «تان» در اسلامبول ملاقاتی از سید خواست. سید خبرنگار را به نزد خود پذیرفت. مخیر تان از او پرسید که چه میگوید در تصدیق یا تکذیب کسانی که تحریک فعل قتل شاه را به شما نسبت میدهند؟ سید با جرأت و خشم بد و پاسخ داد: «من هنوز چنان تنزل نکرده ام که دست به کارهای چنین ملتی پست و فرومایه (به عبارت خود سید) بیالایم. تقو بر چنین قومی و برپادشاهش.» (۲۸)

قرار مشا هده اسناد تاریخی سید با علمای اسلام نما و سلاطین مستبد سخت در جدال بود. برای آشنائی بیشتر به مبارزات او علیه خرافات و استبداد چند جمله از «شرح حال و آثار سید جمال الدین...» را در ذیل به عاریت میگیرم: «سید بدبختی و ذلت اسلام را از سلاطین مستبد و علمای سوء میدانست و می فرمود این

دو طبقه دین را بر صلاح خود ساخته اند و فرسخ ها از اسلام دور افتاده اند . به جای اینکه دین را با عقل و منطق مطابقت دهند ، عقل و منطق را میخوانند با دین ساخته خودشان مطابقت بدهند . این است که دایماً در جدال اند . باید بدانند تا دین را لباس علم نپوشانند در مجمع اهل علم و تمدن حق حضور ندارند .... پروگرام تحصیل علمای دین به مقتضای وقت و موقع قرار دهند ، خرافات و موهومات که اضافه بر دین شده است از اذهان فراموش نمایند ، نفاق و کدورت که نسبت به ادیان دیگر در اسلام ایجاد شده متروک بدارند هرکس حق حیات و استقلال در حالیکه مالک است داشته باشد . « سید جمال الدین همیشه از علامه ها و دیپلمات هائیکه کوشیده اند اسلام را با مد نیت غرب تألیف کنند ، میباشند ، هم فیلسوف هم دیپلمات بود .

مقصد غائی و هدف نهائی سید در مالک استعمری این بود که : « ریشه جهالت ، استبداد ، رشوت و تعصب را کنده به جای آن یک آزادی تام ، یک حکومت دموکراسی نشانند و بالفعل به میدان ترقی و تجدید عصرکنونی داخل شدن . » ( ۲۹ )

علاوه از اثر مرزا لطف الله خان « شرح حال و آثار سید جمال الدین ... » در ایران نظر به مساعده بودن زمینه های مختلف - از آنجمله انکشاف شرایط اقتصادی و فرهنگی تحقیقات و تنبغات وسیعتری در باره سید صورت گرفته ، کتب و رسالات متعدد به زبان فارسی به چشم میخورد که ما در ذیل صرف از بعضی آنها نام می بریم :

- مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده سید جمال الدین ، جمع آوری و تنظیم اصغر مهدوی و ایرج افشار ، انتشارات دانشگاه تهران شماره ۸۴۱ سال ۱۳۴۲ ، تصویر ۲۳ لوحه ۸ .

- نامه های سید جمال الدین اسدآبادی ، جمع آوری ابوالحسن جمالی اسدآبادی ، تهران ، ۱۳۴۷

- سید جمال الدین و اندیشه های او ، تألیف مرتضی مدرس چهاردهی ، چاپ اول تهران ، ۱۳۴۴

- مقالات مجله کاوه در باره سید جمال الدین ، تقی زاده ، برلین ، ۱۹۳۱ م .

- شرح حال و آثار سید جمال الدین ، تقی زاده ، انتشارات اداره ایرانشهر برلین ، ۱۹۲۶ م

- مجله یادگار ، شماره ۴ سال دوم ، محمد قزوینی و غیره ، طبع تهران .

آشفته گی اوضاع سیاسی و اجتماعی سراسر قرن بیستم ( به استثناء ده سال سلطنت امانی ) زمینه های رشد فرهنگی را سد نموده و مجال تاریخ نویسی و معرفی پیش آنگان علم و معرفت ، بدون مداخله و استجازه مراجع مسؤول دولتی و ده ها بار مصادره و بازرسی و تفتیش ، برای نویسندگان معدود کشور میسر نبود . بنابراین تسلط این اوضاع ناگوار ، کشور در عرصه فرهنگی خسارات سنگین را متحمل شده و حتی همسایه های ما با سوءاستفاده از این وضع تأسف آوراکثر افتخارات تاریخی و رجال معروف فرهنگی ما را از طریق یونسکو به نام خود ثبت نمودند که با کمال تأسف هیچ مرجع و مقامی از فرط بی علاقه گی و بی توجهی در صدد دفاع و حراست از آنهمه مواریث ملی و تاریخی برنیامد و دعوی بر سر اصل و نسب و مسقط الرأس سید جمال الدین افغانی هم از همین بی تفاوتی مقامات مسؤول افغانی در برابر امور فرهنگی ، نشأت میکند که هر کشوری برای سید افغانی شجره می سازد و میخوانند با تغییر هویت تاریخی و اجتماعی اش او را منسوب به خود بسازند . دریغ ! که مراجع افغانی فقط با افتخار تخلص « افغانی » در آخر نامش اکتفاء نموده و باب هر نوع تحقیق ، تدقیق و معرفی این مبارز شهیر را بر روی نویسندگان ما مسدود نموده بود .

امید است در آینده با بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور به این وضع اسفناك خاتمه داده شده و در جهت حراست و حفاظت از آثار تاریخی و معرفی پیش آهنگان علم و معرفت در ساحه ملی و بین المللی اقدامات مقتضی صورت گیرد تا آن همه موارد ملی و فرهنگی ما از دستبرد های بیشتر در امان باشند

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**